

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه تهران

مجتمع آموزش عالی قم

بررسی تحلیلی نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته حقوق عمومی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید محمد هاشمی

۱۳۸۲ / ۱۰ / ۳۰

استاد مشاور:

جناب آقای رحمت الهی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
توسعه و نشر آراء و عقاید  
توسعه و نشر آراء و عقاید

نگارش:

معصومه محمدی دریاسری

بهار ۱۳۸۲  
۵۸۱۴۰



جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

پایان نامه

تاریخ  
شماره  
پرست

**صورتجلسه دفاع از پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد**

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی

دانشجویان دانشگاه آقای مغسومه محمدی نریاسری رشته حقوق گرایش حقوق عمومی  
از پایان نامه خود تحت عنوان بررسی تحلیلی نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران

که نیمسال اول / دوم سال تحصیلی ... ۸۱ - ۱۳۸۰ ... به راهنمایی آقای دکتر سید محمد هاشمی

و مشاوره جناب استاد آقای رحمت الهی  اخذ و ثبت نموده است، در تاریخ ۸۱/۴/۱۲ ... و در حضور

هیأت داوران به شرح جدول ذیل با (موفقیت / عدم موفقیت / اصلاحاتی) دفاع نمود و بدین صورت ارزشیابی گردید.

نمره بجزوف	نمره بعدد	درجه	نمره نهایی هیأت داوران
۶۰	۱۸,۵	عالی	

اسامی هیأت داوران	مرتبه علمی	محل اشتغال	امضاء
استاد راهنما: دکتر سید محمد هاشمی	استاد	دانشگاه شهید بهشتی	
استاد مشاور: استاد حسین رحمت الهی	مربی	مجتمع آموزش عالی قم	
استاد مشاور:			
استاد داور: دکتر نجادعلی الماسی	استاد	دانشگاه تهران	
نایبند تحصیلات تکمیلی: آقای محمد هادی کلبانی	-	مجتمع آموزش عالی قم	

تذکر: نیاز به درج نمره جداگانه هر یک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

**سرپرست تحصیلات تکمیلی**

با سلام، احتراماً صورتجلسه دفاع از پایان نامه دانشجوی خانم مغسومه محمدی نریاسری به مورد تأیید است، خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل نامبرده، اقدام مقتضی مبذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر نجادعلی الماسی کورامضا و تاریخ

۸۱/۴/۱۲

تقدیم به همسر مهربان

و

فرزند دلبندهم

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

## فصل اول: نقش مردم در اداره امور کشور

- بخش اول - حاکمیت ملی و موارد مصرح آن در قانون اساسی ..... ۹
- گفتار اول - چگونگی اعمال حاکمیت ملی از نقطه نظر نقش مردم ..... ۱۲
- بند اول - مونوکراسی یا یک تن سالاری ..... ۱۴
- ۱ - مونوکراسی کلاسیک ..... ۱۷
- الف - پادشاهی مطلق ..... ۱۷
- ب - خودکامگی ..... ۱۷
- ج - نظام‌های دیکتاتوری ..... ۱۸
- ۲ - مونوکراسی نو یا توده‌ای ..... ۱۹
- گفتار دوم - رژیم‌های چند تن سالاری ..... ۲۲
- بند اول - حکومت آریستوکراسی ..... ۲۲
- بند دوم - زمین سالاری یا فئودالیسم ..... ۲۳
- بند سوم - پلوتوکراسی یا حکومت ثروتمندان ..... ۲۴
- بند چهارم - حکومت شایستگان یا شایسته سالاری ..... ۲۴
- بند پنجم - حزب سالاری یا پارتیتوکراسی ..... ۲۵
- گفتار سوم - همه سالاری یا دموکراسی (حکومت مردم بر مردم و برای مردم) ..... ۲۶
- بند اول - دموکراسی از لحاظ شکل ..... ۲۹
- ۱ - دموکراسی مستقیم ..... ۲۹
- ۲ - دموکراسی غیر مستقیم ..... ۳۱

۳۲	۳ - دموکراسی نیمه مستقیم
۳۲	الف - وتوی مردمی
۳۳	ب - همه پرسی (رفراندوم)
۳۳	ج - ابتکار عام
۳۳	د - گزینش گری
۳۴	ه - پله بیست
۳۴	بند دوم - دموکراسی از لحاظ محتوا
۳۵	۱ - حکومت مطلقه دموکراتیک
۳۵	۲ - دموکراسی لیبرال یا آزادیخواه
۳۶	گفتار چهارم - اصول بنیادین دموکراسی
۳۷	بند اول - مشارکت همگانی
۳۷	بند دوم - وجود آزادی ها
۳۷	بند سوم - چگونگی انتخاب زمامداران
۳۸	بند چهارم - حکومت اکثریت و احترام به اقلیت
۳۸	بند پنجم - حاکمیت قانون
۳۸	بند ششم - تفکیک قوا
۳۹	بند هفتم - حاکمیت مردم
۳۹	بند هشتم - کثرت گرایی
۳۹	بند نهم - ادواری بودن مشاغل سیاسی
۴۰	بند دهم - سرشکن کردن قدرت در هیأت فرمانروا
۴۰	بند یازدهم - تساوی
۴۱	بند دوازدهم - آزادی مطبوعات
۴۱	گفتار پنجم - دموکراسی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران

- بند اول - خداسالاری یا تئوکراسی ..... ۴۳
- بند دوم - شایسته سالاری ..... ۴۶
- بند سوم - جمع بندی ..... ۴۹
- بخش دوم - انتخابات، رأی، انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان ..... ۵۱
- گفتار اول - انتخابات و بررسی تاریخی آن ..... ۵۳
- گفتار دوم - مفهوم انتخابات ..... ۵۵
- بند اول - رأی نشانه مشارکت مردم است ..... ۵۵
- بند دوم - ترویج لسان سیاسی ..... ۵۶
- بند سوم - انشاء و انتقال تصمیمات سیاسی ..... ۵۶
- گفتار سوم - انتخابات از دیدگاه اسلامی ..... ۵۷
- گفتار چهارم - انتخابات و معاهدات حقوق بشر ..... ۶۰
- بند اول - اسناد جهانی ..... ۶۱
- بند دوم - اسناد منطقه ای ..... ۶۳
- بند سوم - فعالیت های انتخاباتی سازمان ملل متحد ..... ۶۵
- گفتار پنجم - رأی چیست؟ حق یا تکلیف؟ ..... ۶۷
- بند اول - شرکت در انتخابات ایران حق است یا تکلیف؟ ..... ۶۹
- گفتار ششم - قلمرو حق رأی ..... ۷۱
- بند اول - رأی محدود و شرایط آن ..... ۷۱
- ۱ - شرط مالیاتی ..... ۷۱
- ۲ - شرط شایستگی ..... ۷۲
- ۳ - محدودیت نژادی ..... ۷۴
- ۴ - محدودیت جنسی ..... ۷۴
- بند دوم - رأی همگانی و شرایط آن ..... ۷۴

۷۵	۱ - تابعیت
۷۵	۲ - شرط سن
۷۶	۳ - رشد فکری
۷۶	۴ - صلاحیت اخلاقی
۷۷	۵ - محرومیت برخی از گروه‌ها
۷۷	بند سوم - انتخاب پذیری
۷۸	۱ - سن
۷۸	۲ - تابعیت
۷۹	۳ - اخلاق
۷۹	۴ - محرومان از انتخاب شدن
۸۲	گفتار هفتم - انواع رأی
۸۲	بند اول - رأی فردی و رأی اجتماعی
۸۲	بند دوم - رأی برابر و رأی چندگانه
۸۲	بند سوم - رأی اختیاری و رأی اجباری
۸۳	بند چهارم - رأی وکالتی و رأی مکاتبه‌ای
۸۳	بند پنجم - رأی علنی و رأی مخفی
۸۴	بند ششم - رأی تکنام و رأی چندنام
۸۴	بند هفتم - رأی فهرستی یا لیستی

### فصل دوم - نظام‌های انتخاباتی

۸۷	بخش اول - انواع نظام‌های انتخاباتی
۸۷	گفتار اول - نظام انتخاباتی اکثریتی
۸۸	بند اول - نظام انتخاباتی اکثریتی یک مرحله‌ای



- بند دوم - نظام انتخاباتی اکثریتی دومرحله‌ای ..... ۹۰
- گفتار دوم - نظام انتخاباتی تناسبی (نسبی) ..... ۹۱
- گفتار سوم - مقایسه نظام‌های انتخاباتی ..... ۹۲
- گفتار چهارم - آثار و پیامدهای روانی - رفتاری و سیاسی نظام انتخاباتی ..... ۹۴
- بند اول - آثار قوانین انتخاباتی بر رفتار احزاب سیاسی ..... ۹۴
- بند دوم - آثار قوانین انتخاباتی بر رفتار رأی دهندگان ..... ۹۶
- بند سوم - آثار قوانین انتخاباتی بر آرایش نیروهای سیاسی در یک کشور ..... ۹۷
- گفتار پنجم - نظام حقوقی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران ..... ۹۹
- بند اول - نظام انتخاباتی مقامات ..... ۱۰۰
- ۱ - انتخاب غیر مستقیم مقام رهبری ..... ۱۰۱
- ۲ - انتخاب مستقیم ریاست جمهوری ..... ۱۰۳
- بند دوم - نظام انتخاباتی نهادها ..... ۱۰۶
- ۱ - انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی ..... ۱۰۶
- ۲ - انتخاب اعضای شوراهای محلی ..... ۱۱۰
- بند سوم - همه‌پرسی ..... ۱۱۳
- ۱ - ضرورت انجام همه‌پرسی ..... ۱۱۴
- ۲ - نحوه انجام همه‌پرسی ..... ۱۱۶
- بخش دوم - چگونگی اجرا و نظارت بر انتخابات و نقش احزاب در انتخابات ..... ۱۱۸
- گفتار اول - اجرای انتخابات ..... ۱۱۸
- بند اول - حوزه بندی‌های انتخاباتی ..... ۱۱۸
- بند دوم - اعمال مربوط به رأی دهندگان ..... ۱۱۹
- ۱ - شناسنامه انتخاباتی یا کارت الکتروال ..... ۱۲۰
- ۲ - تاریخ انتخابات ..... ۱۲۰

- بند سوم - اعمال مربوط به انتخاب شوندهگان ..... ۱۲۰
- ۱ - ثبت نام و بررسی صلاحیت داوطلبان ..... ۱۲۱
- ۲ - فهرست انتخاباتی ..... ۱۲۱
- ۳ - تبلیغات ..... ۱۲۲
- ۱ - شیوه‌های روان گردانی تبلیغاتی با استفاده از شایعه سازی و شایعه پراکنی، تخریب شخصیت و بدنام کردن خود و بستگان کاندیدای مورد نظر ..... ۱۲۷
- ۲ - سوء استفاده از نوجوانان ..... ۱۲۷
- ۳ - پیشدستی تبلیغاتی ..... ۱۲۷
- ۴ - شگردهای تبلیغاتی تجاری ..... ۱۲۷
- ۵ - درگیری و تخریب ..... ۱۲۸
- بند چهارم - رأی گیری و جریان آن ..... ۱۲۸
- ۱ - رأی گیری ..... ۱۲۸
- ۲ - قرائت آراء ..... ۱۲۹
- ۳ - اعلام نتیجه ..... ۱۲۹
- گفتار دوم - نظارت بر انتخابات در جمهوری اسلامی ایران ..... ۱۳۱
- بند اول - نگاهی به دلایل احاله امر نظارت بر انتخابات به شورای نگهبان ..... ۱۳۱
- بند دوم - تاریخچه و مقررات مربوط به نظارت در دو دهه اخیر ..... ۱۳۳
- ۱ - نظارت بر انتخابات در قوانین مصوب قبل از سال ۱۳۷۰ ..... ۱۳۴
- ۲ - وضعیت نظارت بر انتخابات پس از سال ۱۳۷۰ ..... ۱۳۶
- بند سوم - بررسی دلایل اختلاف در امر نظارت بر انتخابات ..... ۱۳۷
- بند چهارم - ایرادات ماهوی وارد بر تفسیر اصل ۹۹ و عملکرد فعلی شورای نگهبان ..... ۱۴۰
- گفتار سوم - احزاب و نقش آن در انتخابات ..... ۱۴۳

- 
- بند اول - دیدگاه‌های منفی پیرامون احزاب سیاسی ..... ۱۴۷
- بند دوم - جایگاه احزاب در نظام جمهوری اسلامی ایران ..... ۱۴۸
- نتیجه‌گیری ..... ۱۵۰
- فهرست منابع و مآخذ ..... ۱۵۷

## مقدمه:

در یک تعریف ساده منطقی انسان حیوانی است ناطق که در مقام اشرف مخلوقات تمام بار امانت الهی را به اعتبار ناطقیت خویش بر دوش می‌کشد. بار امانتی که تمام شریکان او در جنس قریب و بعید از تحمل آن ابا نموده لیکن انسان به اعتبار فصل ممیزه خود بر قبول این امانت سنگین گردن نهاد. نفس ناطقه این بالاترین مخلوق خالق متعال، گسترده‌ای عظیم و بیکران از صلاحیت‌ها و قابلیت‌هایی است که عالم مادی غیر از خود را به سیطره خویش درآورده و دنیایی را وسیله سعادت نوع خود قرار داده تا به رسم امانت، ودیعه الهی را به سلامت تا سرای باقی به دوش کشیده و سربلند و سرافراز به سرمنزله عالم مقصود نایل آید.

ودیعت‌گذار این امانت عظیم تمام لوازم و ضروریات این سفر پر مخاطره را در اختیار انسان نهاد تا مأموریت خود را با موفقیت به پایان رسانده و در انجام این مسئولیت سنگین بر سایر مخلوقات آفریدگار پیشی بگیرد.

انسان با اتکای به فطرت خویش راه سعادت را یافته و حقیقت را کشف می‌کند و هدف از بعثت انبیای الهی نیز احیای همین فطرت خدایی است. بسیاری از الگوهای حیات طیبه ریشه در نهاد بشر دارد. انسان در ذات خود موجودی اجتماعی است و حضورش در اجتماع نیز از اصول و مبانی فطری پیروی می‌کند. ورود انسان به جامعه و گریز از زندگی فردی ریشه در فلسفه حیات، یعنی حرکت به سوی کمال و سعادت دارد و این مهم برآورده نمی‌شود مگر با معاضدت و همیاری نوع بشر. انتخاب زندگی جمعی راهی است برای فرار از کاستی‌ها و نقائص تنها زیستی و توجه هر عضو از اجتماع به تحقق این مهم و تشریک مساعی در پیمودن راه آن و اطمینانش از تأمین خواسته‌ها، مبنی بر فطرت اجتماعی است. پس با حساسیت تمام بر سرنوشت خویش می‌نگرد و گزینه ذاتی او در این زندگی اجتماعی حاکمیت بر سرنوشت خویش است. از دیرباز بشر نسبت به آینده‌ای که برای او در جامعه رقم می‌خورد علاقمند بوده و همواره سعی کرده خود را در انتخاب آن دخیل و بر روند امور نظارت نماید.

سابقه‌گرایی انسان به مشارکت در امور اداره جامعه، عمری به قدمت تاریخ دارد. اولین بحث‌های تحلیلی و فلسفی در مقوله مشارکت مردم در امر سیاست و امور عمومی جامعه در مغرب زمین از سقراط و افلاطون و ارسطو بر جای مانده است که توجه به آنها و مقایسه آن مبانی با واقعیت‌های دنیای معاصر نشانی از سیر تکامل افکار بشری در این رابطه داشته و حکایت از فراز و نشیب‌های بسیار زیاد زندگی سیاسی جوامع در طول تاریخ دارد. در یونان قدیم امتیاز شرکت در سیاست متعلق به شهروندان بوده است که در تعریف مضیق شامل گروه خاصی از افراد جامعه می‌شده است و از بردگان و خارجیها و نیز زنان متمایز بوده است ولی با این حال بارزترین جلوه‌های مشارکت سیاسی را در دولت شهرهای یونان می‌توان یافت و ارسطو در طبقه‌بندی معروف خود از نظامهای سیاسی، اولین معیار را به میزان مشارکت افراد جامعه در اخذ تصمیم سیاسی اختصاص داده است. اما در طول تاریخ پس از آن پدیده مشارکت سیاسی در اغلب نظامهای سیاسی بشر به عنوان عاملی تعیین‌کننده در اوضاع جوامع مطرح بوده و سر منشأ بحرانها و دگرگونی‌های اساسی گردیده است و همواره عاملی برای نگرانی حکام در از دست دادن انحصار قدرت و فعال مطلق بودن در صحنه سیاست محسوب می‌شده است. در طی قرون و اعصار متمادی در ترکیب‌بندی نظام سیاسی و جوامع، عموماً بخش عظیمی از اجتماع مردمی را انسان‌هایی تشکیل می‌دادند که هیچگونه دخالت و تأثیری در سرنوشت خویش نداشتند و تابع محض به حساب می‌آمدند و در مقابل تعداد معدود و محدودی قرار داشتند که فعال مایشاء بوده و بر جان و مال گروه اول حاکم، و خود را مالک آن می‌دانستند و هر حرکتی که به گونه‌ای نوای تغییر این رابطه نابرابر را داشت در نطفه می‌خشکاندند. در این ایام حکام، فرمانروایی را حق مسلم خود می‌دانستند و عامه مردم را اصالتاً فرمانبردار می‌انگاشتند.

حتی تا یکی دو قرن پیش هرگونه حق مشارکت در اخذ تصمیم سیاسی و حق اداره جامعه و یا حتی کمترین دخالت در سرنوشت خویش نظیر داشتن حق رأی صرفاً به گروه اندکی از مردم که از شاخصه‌های اشرافیت، ثروت و... برخوردار بودند تعلق داشت و عموم مردم از هرگونه شرکت در امور عمومی و مشارکت سیاسی محروم بودند. هر حرکتی از طرف عامه مردم سرکوب شده و تنها مصداق حضور آنها در صحنه سیاسی نیز همین حرکتها و قیامها بود.

تحولات عمیق و همه جانبه علمی و اجتماعی که از قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی در اروپا آغاز شد به تدریج دامنه تأثیر خود را در تمام ابعاد زندگی و تفکر انسانها به سراسر دنیا گسترش داد و موجب شد که در عالم سیاست و روابط تعیین کننده قدرت دگرگونیهای بنیادین به وقوع بپیوندد. در نتیجه این تحولات و فراهم شدن امکان مشارکت گسترده تر عموم مردم در صحنه سیاست به تدریج دامنه شرکت مردم در تعیین سرنوشت خود وسیع تر و سطح آگاهیهای سیاسی و اجتماعی آنها ارتقای چشمگیری پیدا کرد تا اینکه این تحولات در دوران انقلاب صنعتی در قرنهای هجدهم و نوزدهم به بالاترین حد خود رسید و نقطه عطفی در طول تاریخ بشریت در راستای عمومی و توده ای شدن سطح مشارکت سیاسی پدید آمد و حقوق شهروندی همه انسانها به عنوان عضوی از جامعه سیاسی به رسمیت شناخته شد. دین اسلام نیز همانند سایر ادیان پیغام رسان این الگوی سعادت بشر بوده و به تصریح قرآن کریم هر تحول و تغییری در جوامع بشری فقط مرهون همت و تلاش و مشارکت گروههای انسانی و ملت هاست و خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه خود به این کار همت گمارند.

دین اسلام توجه وافری به حضور فعال همه مسلمانان در امور جامعه و نظام سیاسی و حکومت داشته و بی تفاوتی مسلمین به امور اجتماعی و سیاسی را گناهی بزرگ که سرنوشت دنیا و آخرت را تحت تأثیر قرار می دهد بر شمرده است.

انتخابات به عنوان مهمترین مکانیزم مشارکت سیاسی مردم و همچنین بستری برای رقابت تشکلهای و جناحهای سیاسی، همواره در حیات سیاسی جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی را ایفاء نموده است و به عنوان یک ابزار مهم مشارکت سیاسی از کارآمدی و توانایی لازم برای تحقق مشارکت فعال مردم و نیز تبدیل تقاضاهای سیاسی و اجتماعی جامعه به الزامات سیاسی برخوردار بوده است. یکی از پیامدهای مهم پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، احیای نگرشی خاص به حکومت با برداشتی اصیل از اسلام بود که بر مبنای آن رهبران جامعه در عین تلاش برای استقرار حکومت دینی، حق تعیین سرنوشت را برای آحاد ملت به رسمیت شناختند و بدین ترتیب ساختار حکومتی کشور بر اساس مشارکت فعال مردمی و خواست و اراده آنان شکل گرفت.

مطابق اصل ۵۶ قانون اساسی: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ...».

بدین ترتیب خداوند به انسان علم و اراده و نیروی انتخاب و تصمیم‌گیری داده است لذا انسان از خصیصه اختیار برخوردار است و قادر است راه و طریق خود را برگزیند. حاکمیت متعلق به تمام افراد ملت است و همه افراد ملت حق شرکت در انتخابات را دارند. بنابراین حق حاکمیت جزو حقوق عمومی است و هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه‌ای از طبقات جامعه نمی تواند فرمانروائی را به خود اختصاص بدهند.

مفهوم حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مفاهیم غربی و شرقی آن تفاوت دارد. در دیدگاه اسلام وقتی تمام ارزشها مختص خداوند می باشد، و خداوند به عنوان تنها قدرت جهان به شمار می رود بدین خاطر حاکمیت ملی در چهار چوبه حاکمیت مطلق خداوند پذیرفته شده است. به تصریح قانون اساسی، بر مبنای اراده الهی، انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم است و زمامداران به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر اساس آرای عمومی و ساز و کار اکثریت و ادواری بودن مناصب سیاسی انتخاب می شوند. نوع حکومت، قانون اساسی، خبرگان رهبری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، بازرنگری قانون اساسی، شوراها و اسلامی و در مواردی همه پرسی، از طریق مراجعه به آراء عمومی صورت می گیرد و استقرار می یابد. حیات چندین ساله جمهوری اسلامی به طور میانگین، سالانه شاهد برگزاری یک انتخابات بوده است. انتخابات چندگانه در ایران، تصویری زیبا از عالیترین نوع دموکراسی را به نمایش گذاشته و نظام سیاسی ایران را به سوی مردم سالاری پیش برده است.

هدف ما از این رساله که موضوع آن بررسی تحلیلی نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران است تبیین جایگاه مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود در نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاه و نقش مردم در انواع حکومتها و اینکه نوع حکومت چه تأثیری بر میزان مشارکت و نظارت مردمی دارد، جایگاه و نقش آراء عمومی در نظام اسلامی تا چه اندازه می باشد؟ مشخه‌های اصلی انتخابات